



1 غزل غزلها که از آن سلیمان است.

2 محبوبه: او مرا به بوسه‌های دهان خود بیوسد زیرا که محبت تو از شراب نیکوتر است.

3 عطرهای تو بوی خوش دارد و اسم تو مثل عطر ریخته شده می‌باشد. بنابراین دوشیزگان، تو را دوست می‌دارند.

4 مرا یکش تا در عقب تو بدویم. پادشاه مرا به حجله‌های خود آورد. از تو وجد و شادی خواهیم کرد. محبت تو را از شراب زیاده ذکر خواهیم نمود. تو را از روی خلوص دوست می‌دارند.

5 ای دختران اورشلیم، من سیه فام اما جمیل هستم، مثل خیمه‌های قیدار و مانند پرده‌های سلیمان.

6 بر من نگاه نکنید چونکه سیه‌فام هستم، زیرا که آفتاب مرا سوخته است. پسران مادرم بر من خشم نموده، مرا ناطور تاختانها ساختند، اما تاختستان خود را دیده‌بانی ننمودم.

7 ای حبيب جان من، مرا خبر ده که کجا می‌چرانی و در وقت ظهر گله را کجا می‌خوابانی؟ زیرا چرا نزد گله‌های رفیقانت مثل آواره گردم.

8 محبوب: ای جمیل‌تر از زنان، اگر نمی‌دانی، در اثر گله‌ها بیرون رو و بزغاله‌هایت را نزد مسکن‌های شبانان بچران.

9 ای محبوبه من، تو را به اسبی که در اراپا فرعون باشد تشبیه داده‌ام.

10 رخسارهایت به جواهرها و گردنت به گردن‌بندها چه بسیار جمیل است.

11 محبوبه: زنجیرهای طلا با حبه‌های نقره برای تو خواهیم ساخت.

12 چون پادشاه بر سفره خود می‌نشیند، سنبیل من بوی خود را می‌دهد.

13 محبوب من، مرا مثل طلبه مرّ است که در میان پستانهای من می‌خوابد.

14 محبوب: محبوب من، برایم مثل خوشه‌بان در باغهای عین‌جدی می‌باشد.

15 اینک تو زیبا هستی ای محبوبه من، اینک تو زیبا هستی و چشمانت مثل چشمان کبوتر است.

16 محبوبه: اینک تو زیبا و شیرین هستی ای محبوب من و تخت ما هم سبز است.

17 محبوب: تیرهای خانه ما از سرو آزاد است و سقف ما از چوب صنوبر.